



فراخوان

۵

برای ایران

انجمن پادشاهی خواهان پیشرو

جنگ، جایگاه و خویشکاریهای ما



فراخوانی برای مبارزه و تغییر: چرا خاموشی دیگر گزینه‌ای نیست؟

هم میهنان گرامی، با همه فشارها و رنجهایی که بر شما می‌رود، می‌دانیم که خستگی و ناامیدی در کالبدِ هازمان (جامعه) ریشه دوانده است. ولی سالها تجربه مبارزاتی به ما آموخت که تغییر و دگرگونی از دل خاموشی و بی تفاوتی برنمی‌خیزد. اگرچه رنج و فشار بی امان است و سرکوب، هراس‌آفرین، اما اینها نباید ما را به این نتیجه برسانند که مبارزه بی حاصل است. در حقیقت، تجربه‌های گذشته، بجای اینکه ما را به کنج انزوا بکشانند، باید چراغ راه آینده مان شوند. اینبار، امید به مداخله بیگانه و یا دل خوش کردن به تغییرات جزئی که هرگز درد اصلی را درمان نمی‌کند؛ نباید انگیزه ما را شکل دهد. اینبار، باید از خود بپرسیم: تا کی باید بار این رنج را به دوش بکشیم؟ تا کی باید شاهد از دست رفتن سرمایه‌هایمان، مهاجرت فرزندانمان و نابودی آینده‌مان باشیم؟ این لحظه، لحظه تصمیم است:

هزینه خاموشی و انزوا، بیش از هزینه قیام است.

واقعیت این است که هزینه ادامه وضع موجود، به مراتب بیشتر از هزینه تغییر است. اقتصاد فروپاشیده، محیط زیست رو به زوال، و هازمانی که هر روز بیش از پیش در گرداب ناامیدی غرق می‌شود، نشانه‌های واضحی هستند که این مسیر به تباهی ختم می‌شود. تاریخ نشان داده که هیچ رژیم مستبدی بدون مقاومت و اراده مردم، به زیر کشیده نشده است. ما برای بازپس‌گیری کرامت و آینده فرزندانمان، چاره‌ای جز اتحاد و اقدام عملی نداریم. این به معنای چشمپوشی از تجربه‌های تلخ گذشته نیست، بلکه درس گرفتن از آنها و یافتن راه‌هایی نوین و مؤثر برای مبارزه است. هر گام کوچک، هر صدای معترض، و هر مقاومت مدنی، جرقه‌ای است که می‌تواند به آتشی فراگیر بدل شود. بیایید اینبار، با آگاهی از گذشته و با نگاهی به آینده، خود را برای ساختن فردایی که شایسته آن هستیم، آماده کنیم.

پهلوی!

یک نام:

یک صدا

بانگ کاوه‌ای دیگر:

برخیز، ای ایران! ندای آزادی می‌خواند!

در ژرفای تاریخ پرفراز و نشیب ایران، همواره روحی از مقاومت، استواری و سرپیچی در برابر ستم نهفته است. حکایت کاوه آهنگر، نه تنها یک داستان باستانی، بلکه سرود جاودانه قیام مردمی است که از جور و ستم به ستوه آمدند. تصور کن آن لحظه را: ضحاکِ ماردوش، بر سریر ظلم تکیه زده، و مردم در بند اسارت اویند. اما از دل سیاهی، ندایی برمی‌خیزد؛ صدای یتک کاوه، نه فقط بر سندان، که بر دیوارهای ستم می‌کوبد. پیشیند چرمینش، که نمادی از کار و زحمت مردم عادی است، به درفشی برای رهایی بدل می‌شود. این یک داستان نیست، بلکه خونفشان روح مقاومت ایرانی است که در هر دوره ایی به گونه ای بیدار می‌شود. امروز، همان ضحاک، اما در رختی دیگر، بر جان، مال و گلوی مردم ایران چنگ انداخته است.

بانگ آزادی از گلوی ایران؛ لحظه حماسه بزرگ ماست!

اینک، نوبت ماست که این افسانه را به حقیقت پیوند دهیم. وقت آن است که هر ایرانی، یک کاوه باشد؛ با اراده‌ای پولادین و ایمانی استوار به آزادی. تصور کن لحظه‌ای را که میلیون‌ها ایرانی، از هر گوشه و کنار این سرزمین کهن، شانه به شانه، با دلی پر از امید و فریادی رسا، به خیابان‌ها می‌آیند. این نه یک آشوب، که رقص باشکوه آزادی است؛ نغمه‌ای که ریشه‌های ظلم را از بن می‌کند. این حماسه، نه با سلاح، که با اراده خلل‌ناپذیر یک ملت نوشته خواهد شد. لحظه‌ای پرواز ققنوس از خاکستر است؛ لحظه‌ای که خورشید آزادی بر ایران‌زمین پرتو می‌افکند و سایه سیاه ستم را برای همیشه از میهنمان می‌زداید. برخیز، ای ایران! بانگ آزادی می‌خواند، و اینک، نوبت حماسه بزرگ ماست!

ملت آگاه و رنج‌دیده ایران؛ بکوشیم تا با همدلی و همبستگی ملی و برپایی شبکه های مردمی در هر کوی و برزن، این جنگ خاتمانسوز را به انقلابی ملی و سرنگونی این رژیم غارتگر تبدیل کنیم!

باید در مبارزات مردم در هر شکل و سطحی که هست شرکت جوییم و آن را ارتقا بخشیم!

پیش بسوی سازماندهی مبارزات ملی-انقلابی ملت ایران ایران!

padeshahi1339@hotmail.com

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران!

هر آنچه که در این فراخوان چاپ می‌شود، دیدگاههای شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابدا هیچ مسئولیتی متوجه شهريار ميهن، شاهزاده رضا پهلوی و ديگر جريانه‌های سياسي هوادار سامانه پادشاهی نیست!